تفاوت مساله گردش به دور زمین و زیادی و نقصان در شهر با مساله مسافرت به بلد غیر متفق در شهر

(26:50)

سوالاتی هم در جلسه قبل مطرح شد. این که شهید فرموده بودند و احتیاط کردند، در آخر جلسه فرمودند نقض می شود به این که باید بیست و هشت روز روزه بگیرد ای مسافرت کند، ای سی و یک روز. علی جمیع المبانی در آخرش این طور می شود که زمین را دور بزند و به طرف غرب برود. خرد خرد مسافرتش را بر کل ماه تقسیم کند، یک روز کم می آید. چون همراه سیر شمس رفته است. اگر برعکس و به طرف شرق زمین را دور بزند، یک روز زیاد می آید. یعنی یک روز برای او دوبار متحقق شده و باید سی و یک روز روزه بگیرد. این درست است؛ یعنی مکلف کاری کرده که یک روز را حذف کرده است. این نقضی است که باید جواب داده بشود. در جوابش ممکن است بگوییم باید یک روز قضا کند. چون موضوع کل شهر در «فلیصمه» به او تکلیف شده است، او خودش با سیر خودش اختیارا ای اضطرارا یک روز کم کرده است، لذا باید یک روز را قضا کند. مغذور است. ای یک روز اضافه گرفته است که یک روزش مستحب می شود. به این صورت می توانیم جواب بدهیم. اما تفاوت این فرمایش با ما نحن فیه در این است: در مانحن فیه خود مکلف نمی رود یک روز را حذف کند. مکلف از یک بلدی به بلد دیگری می رود که آن بلد یک روز جلوتر است. ببینید تفاوت می کند. مکلف که نرفت تا تغییری بدهد. چون وارد آن بلد شد و حکم آن بلد این بود، لازمه اش این بود که بیست و هشت روز روزه بگیرد.

این در ذهنم بود. محضر بزرگان که فرمایش داشتند و به احتیاط ختم کرده اند، مثل من طلبه نمی تواند حرف بزند ولی این احتمال در همان ابتداء در ذهن من بود که این اعزّه مکان محوری فرموده اند. یعنی گفته اند وقتی مکلف خودش هلال را دید و بعد به بلد شرقی ای رفت که دیشب هلال را ندیدند، حالا روزه بگیرد یا نه؟ فیه تامل. یا اگر به غرب برود، او خورده و روزه نگرفته است ولی آن ها روزه گرفته اند. خب در این جا شما نمی توانید مکلّف محور بشوید؟! اگر مکان محور بشوید همه این حرف ها می آید. بیست و هشت روز و سی و یک روز می آید. اما اگر مکلف محور بشوید و بگویید خدای متعال به این بنده اش گفته «من شهد منکم الشهر فلیصمه»، تو هم که خودت هلال را دیدی، باید روزه بگیری به این عنوان که شهر را با مکلف محوری تمام کنی. یعنی تو که هلال را در آن جا دیدی، الان تو مکلف به صوم ثلاثین هستی. حالا هر کجا می خواهی برو. صوم آن منطقه هم به خاطر مکلفین و قاطنینش است که می گویند شما که ندیدید فردا را بگیرید. خیلی تفاوت می کند. روی این مبنا دیگر این اشکالات نمی‌آید. یعنی هر کسی یا بیست و نه روز روزه می گیرد یا سی روز.

شاگرد: اگر مکلف محور می شود چطور سی روز را فرض گرفتید؟

استاد: شبیه این است که در روایت بود حضرت فرمودند اگر خودش دید و مطمئن بود که شخصي دیده است، او روزه اش را بگیرد. در روایت بود که اگر حدی البصر تنها خودش دید، چه کار کند؟ حضرت فرمودند یصوم. چه کار دارد به دیگران!

شاگرد: این که سی روز ای بیست و نه روز بگیرد از کجا می آید؟ معلوم نیست ماه رمضان بیست و نه روز ای سی روزه باشد.

استاد: می دانم، اما می توانیم آن اشکال را برطرف کنیم و بگوییم وقتی او روزه اول خودش را گرفت، اگر همان جا هم بماند برای او بیست و هشت روز نمی شود. اگر آن ها دیرتر عید کردند او می تواند روی حساب روی خودش بگوید ثلاثین من تمام شد.

شاگرد۲: این جا اول دیده ولی آن ها ندیدند، بعد به آن جا می رود و در بیست و نهم می بیند. اگر بیست و نهم آن ها باشد، بیست و هشتم این می شود. یعنی خودش باز در آن جا ماه بعدی را می بیند.

شاگرد: مشکل نوعی شدن هم در مکلف محوری می آید.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 08:07:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 08:20:10 توسط ... .